

## مقایسه اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارای ناپدری، نامادری و پدرو مادر واقعی شهرستان اهواز

فاطمه السادات مجتهد زاده °  
دکتر عبدالکاظم نیسی °°

### چکیده

موضوع این پژوهش مقایسه افسردگی، پرخاشگری، اضطراب و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر پایه سوم راهنمایی دارای ناپدری یا نامادری و دانش آموزان دارای پدر و مادر واقعی شهرستان اهواز بود. حجم نمونه در این پژوهش ۲۱۶ دانش آموز پایه سوم راهنمایی (۷۲ نفر دارای ناپدری، ۷۲ نفر دارای نامادری و ۷۲ نفر دارای پدر و مادر واقعی) بودند که به صورت تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین مدارس راهنمایی نواحی چهار گانه آموزش و پرورش شهرستان اهواز انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این تحقیق جهت جمع آوری اطلاعات عبارتند از پرسشنامه افسردگی «بک»، پرسشنامه پرخاشگری «ایزنگ»، پرسشنامه اضطراب عمومی (ANQ) و معدل نوبت اول سال تحصیلی بود. داده‌ها با استفاده از روش آماری آنوا (ANOVA) تجزیه و تحلیل شد. بر اساس نتایج به دست آمده میزان افسردگی و اضطراب دانش آموزان دارای ناپدری، نامادری به طور معنی‌داری بیشتر از دانش آموزان دارای پدر و مادر واقعی بود. قابل‌توجه این است که میزان افسردگی و اضطراب دانش آموزان دارای ناپدری به طور معنی‌داری بیشتر از دانش آموزان دارای نامادری بود. عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارای ناپدری و نامادری به طور معنی‌داری کمتر از دانش آموزان دارای پدر و مادر واقعی بود. از نظر میزان پرخاشگری در دانش آموزان دارای ناپدری و نامادری با دانش آموزان دارای پدر و مادر واقعی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

کلید واژگان: اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، عملکرد تحصیلی.

---

\* کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

\*\* عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

این مقاله برگزیده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم

فاطمه السادات مجتهدزاده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز می‌باشد.

## مقدمه:

خانواده یکی از عوامل مؤثر و اساسی در رفتار افراد می باشد. کودک از بدو تولد خصوصیات را از والدین خود به ارث می برد و زمینه های رشد او فراهم می شود. نفوذ والدین در کودکان، تنها جنبه ارثی و وراثتی ندارد بلکه در آشنایی کودک با زندگی اجتماعی و فرهنگ پذیری وی، خانواده و والدین نقش مؤثری دارند. ساختار و شکل خانواده ها، نحوه ارتباط اعضا هر خانواده با یکدیگر و جامعه ای که خانواده در آن زندگی می کند در بیشتر موارد همسانی ندارد، بنابراین رفتار و تأثیر خانواده ها در افراد متفاوت است. در خانواده است که کودک نحوه رفتار و روابط صمیمانه با دیگران را می آموزد و کلاً این خانواده است که در تکوین و شکل گیری شخصیت کودک، اثرات بسیار اساسی و مهمی دارد. اهمیت شناخت نقش خانواده به عنوان نهادی که مفهوم پدری و مادری نخستین بار از آنجا نشأت می گیرد و بستر تأثیر پدر و مادر بر فرزندان را فراهم می نماید مهم و اساسی است (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۸۰).

امروزه یکی از مسائل دامنگیر جامعه و به خصوص آموزش و پرورش وجود دانش آموزانی است که به هر دلیل دچار محرومیت یکی از والدین هستند. محرومیت از پدر یا مادر یکی از شرایط خاص خانوادگی است که به عنوان یک متغیر مهم محیطی به طور مستقیم و غیرمستقیم می تواند اثرات ویژه ای بر روی رشد عمومی و ابعاد مختلف رفتار کودک به خصوص در زمینه سلامت روانی، جسمانی و عملکرد تحصیلی داشته باشد. تأثیر غیبت پدر یا مادر بر مشکلات دوران کودکی اهمیت ویژه ای دارد که این تحقیق سعی دارد نقش پدر و مادر و کمکی که به رشد و پرورش

کودک می کند را مورد بررسی قرار دهد. در گذشته پدر اساساً از نظر نقشی که در تأمین نیازهای خانواده داشت به عنوان منبع معاش و روزی رسان مطرح بود و مسئولیت مراقبت و تربیت کودکان به عهده مادر گذاشته می شد. در سالهای اخیر برخی از فرضیه هایی که راجع به نقش پدر در پرورش کودک قدمت طولانی داشتند دچار تغییر و تحول شده اند (نیسی، ۱۹۸۸).

لوئیس و ابرین<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) خاطر نشان می سازند، امروزه عقیده بر این است که پدران در مقایسه با ذهنیات و فرضیه های گذشته نقش های متفاوتی را در پرورش و مراقبت کودکان ایفا می کنند.

به طور کلی این امر پذیرفته شده است که رشد شخصیت با جنبه های قوی و ضعف هایش به شدت توسط والدین متأثر می شود و غیبت یکی از این دو یا هر دو اثر نامطلوبی بر رشد شخصیت داشته و شخص را مستعد بیماری های روانی یا مشکلات رفتاری بعدی می سازد.

مطالعات نشان داده است که کودکان در مقایسه با بزرگسالان ظرفیت کمتری برای سازگاری و مواجهه با غیبت مانند مرگ یک والد را دارند. موقعیت های فشارزایی تواند منجر به وابستگی شدید این کودکان گردد. فقدان یکی از والدین در سنین اولیه می تواند کودکان را نسبت به افسردگی ناشی از حوادث فشارزای درک شده آسیب پذیر سازد.

بسیاری از مطالعاتی که درباره تأثیرات جانشین پدر و مادر وجود دارد دلالت بر این دارد عاملی که با از دست دادن پدر و مادر رابطه دارد ازدواج مجدد<sup>۲</sup> است. مطالعات بسیار مهمی درباره این موضوع انجام شده است.

بعضی از پژوهشگران درباره تأثیرات ازدواج

1 Lewis & O'brien

2 remarriage

در این راستا، پژوهش حاضر سعی دارد به بررسی تأثیرات ناپدری و یا نامادری بر فرزندان خانواده و برخی پیامدهای مهم آن نظیر افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و عملکرد تحصیلی در این میان بپردازد.

### فرضیه‌ها

۱. بین میزان افسردگی دانش آموزان دختر دارای ناپدری، نامادری، و دارای پدر و مادر واقعی تفاوت معنی دار وجود دارد.

۲. بین میزان پرخاشگری دانش آموزان دختر دارای ناپدری، نامادری و دارای پدر و مادر واقعی تفاوت معنی دار وجود دارد.

۳. بین میزان اضطراب دانش آموزان دختر دارای ناپدری، نامادری و دارای پدر و مادر واقعی تفاوت معنی دار وجود دارد.

۴. بین عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دارای ناپدری، نامادری و دارای پدر و مادر واقعی تفاوت معنی دار وجود دارد.

### روش پژوهش

جامعه آماری و روش نمونه گیری جامعه مورد نظر در این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر پایه سوم راهنمایی نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهرستان اهواز که در سال ۱۳۸۲-۱۳۸۱ به تحصیل اشتغال داشتند، بود. نمونه تحقیق به شیوه تصادفی چند مرحله ای انتخاب گردید. در ابتدا فهرستی از کلیه مدارس راهنمایی دخترانه در نواحی چهارگانه اهواز به عنوان چارچوب نمونه برداری تهیه گردید. بر اساس این فهرست، از هر ناحیه آموزش و پرورش ۱۰ مدرسه راهنمایی به شیوه تصادفی انتخاب شد (جمعاً ۴۰ مدرسه). بامراجعه به مدارس مورد نظر، فهرست اسامی دانش آموزان دارای ناپدری

مجدد روی سازگاری کودکان، بر اساس جنسیت آنها، مطالعه کرده اند. به عنوان مثال نتایج مطالعه سانتروک<sup>۱</sup> (۱۹۷۲) نشان داد که ازدواج مجدد مادر تأثیر منفی بیشتری روی دختران، نسبت به پسران، دارد.

کیفیت رابطه فرزندخوانده<sup>۲</sup> -والدخوانده<sup>۳</sup> ممکن است واسطه ای درباره سرنوشت فرزند در خانواده باشد. ورود یک والد خوانده به یک خانواده تک والد می تواند تهدید کننده رابطه فرزند با والدین حقیقی باشد. به علاوه فقدان راهنمایی درباره نقش مناسب والد خوانده در تربیت فرزند می تواند موجب فشار بر سیستم خانواده و مکانیسم سازگاری کودکان شود.

کرم<sup>۴</sup> و همکاران (۱۹۹۵) در بررسی طولی از ۱۹۷ دانش آموزان پایه چهارم، مشاهده کردند، میزان پرخاشگری در پسران خانواده هایی که با تک والد زندگی می کنند، بیش از خانواده های دو والدی است.

کاسن، کوهن، بروک و هارمارک<sup>۵</sup> (۱۹۹۶) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که کودکانی که با تک والد زندگی می کنند در مقایسه با کودکانی که با هر دو والد زندگی می کنند، احتمال بیشتری دارد که افسردگی و اختلالات اضطراب داشته باشند. مک لاناها و ساندفور<sup>۶</sup> (۱۹۹۴) بیان می دارند که کودکان والدین تنها و یا والدینی که ازدواج مجدد داشته اند به احتمال کمتری، تحصیلات دبیرستان را به اتمام می رسانند و همین طور هم به احتمال کمتری به اخذ درجه تحصیلات دانشگاهی می رسند.

1 Santrok

2 stepchild

3 stepparent

4 Kierman

5 Kasen & Cohen & Brook & Harmark

6 McLanahan & Sandefur

پسر ۰/۹۰ = به دست آوردند. در تحقیق حاضر، ضریب پایایی مقیاس اضطراب عمومی با استفاده از روش تنصیف<sup>۲</sup> برابر با ۰/۷۱ و روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ = می باشد که ضریب یاد شده، رضایت بخش می باشد.

پرسشنامه افسردگی « بک » اولین بار در سال ۱۹۶۱ توسط بک معرفی شد و در سال ۱۹۷۱، مورد تجدید نظر قرار گرفت و در سال ۱۹۷۸ انتشار یافت.

در این پژوهش از فرم بلند ۲۱ ماده ای پرسشنامه افسردگی بک استفاده شده است، که یک مقیاس مداد کاغذی است. ضمن کار از آزمودنی خواسته می شود تا سؤال ها را با دقت بخواند و سپس از هر سؤال گزینه ای را انتخاب کند که بهتر از همه احساس کنونی او را بیان می کند. گزینه ها به ترتیب بر اساس مقادیر ۰، ۱، ۲، ۳، نمره گذرای می شوند.

پایایی این مقیاس را با روش همسانی درونی از ۰/۷۳ تا ۰/۹۲ با میانگین ۰/۸۶ گزارش کرده اند. ضریب پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمده است (مهرابی زاده هنرمند، ۱۳۷۵).

ضریب پایایی پرسشنامه افسردگی در تحقیق حاضر با استفاده از روش تنصیف ۰/۸۰ و به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ محاسبه و گزارش شده است.

در این پژوهش از پرسشنامه ایزنگک برای اندازه گیری پرخاشگری استفاده شده است. مقیاس پرخاشگری ایزنگک یک مقیاس خود گزارش دهی مداد کاغذی است که ۱۹ ماده دارد و آزمودنی به یکی از گزینه های « بلی » یا « خیر » پاسخ می دهد.

یا نامادری تهیه شد. اگر تعداد این دانش آموزان در مدرسه ای زیاد بود، به طور تصادفی، چند نفر انتخاب می شدند، در غیر این صورت از تمام دانش آموزان دارای ناپدیری یا نامادری در مدرسه مربوطه آزمون به عمل می آمد.

برای انتخاب گروه گواه از همان مدارس راهنمایی، تعدادی به طور تصادفی ساده انتخاب شدند.

به این ترتیب برای گروه آزمایش نمونه ای به حجم ۱۴۴ نفر تشکیل شد که شامل ۷۲ نفر دانش آموز دارای ناپدیری و ۷۲ نفر دانش آموز دارای نامادری می باشند. برای گروه گواه نیز نمونه ای به حجم ۷۲ نفر انتخاب شد.

### ابزار پژوهش

به منظور جمع آوری داده های مورد نیاز در این تحقیق از سه مقیاس زیر استفاده شد.

الف. پرسشنامه اضطراب عمومی<sup>۱</sup> (ANQ)

ب. پرسشنامه افسردگی بک<sup>۲</sup>

ج. پرسشنامه پرخاشگری ایزنگک<sup>۳</sup>

پرسشنامه اضطراب عمومی به وسیله تحلیل عوامل توسط نجاریان، عطاری و مکوندی (۱۳۷۲) ساخته شده است. مقیاس اضطراب عمومی (ANQ) یک مقیاس خود گزارش دهی مداد کاغذی است که ۲۷ ماده دارد و آزمودنی به یکی از چهار گزینه «هرگز»، «به ندرت»، «گاهی اوقات» و «اغلب اوقات» پاسخ داده و بر اساس مقادیر صفر، یک، دو و سه نمره گذاری می شود. گرفتن نمره بالا در آن نشانه اضطراب عمومی بالاست. نجاریان و همکاران، ضریب آلفای کرونباخ را برای کل آزمودنیهای دختر و

**یافته‌های مربوط به تحقیق**

بین میزان افسردگی دانش آموزان دختر دارای ناپدری، نامادری و دارای پدر و مادر واقعی (عادی) تفاوت معنی دار وجود دارد. داده‌ها با استفاده از روش تجزیه و تحلیل واریانس یک متغیری (ANOVA) تجزیه و تحلیل شد.

همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده بین میزان افسردگی سه گروه از لحاظ آماری تفاوت معنی دار وجود دارد ( $P < 0/001$  و  $F = 20/71$ )، بنابراین فرضیه ۱ تأیید شد.

ضرب پایایی پرسشنامه پرخاشگری «آیزنگ» در تحقیقات گذشته رضایت بخش گزارش شده است. همچنین ضرب پایایی این پرسشنامه در تحقیق حاضر با استفاده از روش تنصیف ۰/۵۲ و به روش آلفای کرونباخ ۰/۵۱ محاسبه و گزارش شده است.

**یافته‌های پژوهش**

ابتدا یافته‌های توصیفی، سپس یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها ارائه می‌شود. نتایج یافته‌های توصیفی در جدول شماره ۱ و نتایج یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها در جدولهای شماره ۲ تا ۸ ارائه شد اند.

**جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه در سه نمونه تحقیق**

نمونه دارای پدر و مادر واقعی		نمونه دارای نامادری		نمونه دارای ناپدری		
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	متغیرهای تحقیق
۴/۷۱	۴/۹۷	۸/۶۱	۹/۶۱	۹/۷۵	۱۳/۴۸	افسردگی
۲/۰۸	۶/۵۶	۱/۸۷	۶/۴۳	۲/۰۶	۶/۷۹	پرخاشگری
۱۰/۸۶	۲۷/۷۲	۱۰/۷۲	۳۵/۱۴	۸/۱۰	۳۹/۲۵	اضطراب
۲/۰۷	۱۷/۶۷	۲/۳	۱۶/۲۷	۲/۲۹	۱۵/۹۱	عملکرد تحصیلی

**جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس یک راهه بین نمره های افسردگی سه گروه نمونه تحقیق**

پراکندگی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی داری P
بین گروهی	۲۶۳۵/۶۶	۲	۱۳۱۷/۸۳	۲۰/۷۰	$P < 0/001$
درون گروهی	۱۳۵۴/۶۶	۲۱۳	۶۳/۶		
کل	۱۶۱۸/۳۲	۲۱۵			

برای پی بردن به این نکته که بین کدام دو گروه تفاوت وجود دارد از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است. همان طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود میزان

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره های دانش آموزان دارای ناپدری، نامادری و پدر و مادر واقعی را در متغیرهای افسردگی، پرخاشگری، اضطراب و عملکرد تحصیلی نشان می‌دهد.

افسردگی دانش آموزان دختر دارای ناپدری از میزان افسردگی دانش آموزان دختر دارای نامادری بیشتر است و این اختلاف معنی دار است. همچنین میزان افسردگی دانش آموزان دارای ناپدری بیشتر از دانش آموزان دارای پدر و مادر واقعی می باشد.

ناپدری، نامادری و پدر و مادر واقعی از لحاظ آماری تفاوت معنی دار وجود دارد ( $P < 0/001$ )، ( $F=24/85$ ). بنابراین با توجه به نتایج تحقیق این فرضیه تأیید می شود. با توجه به وجود تفاوت معنی دار بین سه گروه، آزمون تعقیبی توکی انجام شد

جدول ۳. نتایج تحلیل آزمون توکی بین نمره های افسردگی سه گروه نمونه تحقیق

گروهها	میانگین	ناپدری	نامادری	عادی
ناپدری	۱۳/۴۸	-	*	*
نامادری	۹/۶۱	*	-	*
عادی	۴/۹۷	*	*	

نتایج مندرج در جدول ۳ همچنین نشان می دهد که میزان افسردگی دانش آموزان دارای نامادری بیشتر از دانش آموزان دارای پدر و مادر واقعی می باشد و این اختلافات همگی معنی دار می باشند.

که نتایج آن در جدول ۶ نشان داده شده است. و نشان می دهد میزان اضطراب دانش آموزان دختر دارای ناپدری از میزان اضطراب دانش آموزان دارای نامادری یا دارای پدر و مادر واقعی بیشتر است و این تفاوت معنی دار است.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس یک راهه روی نمره های پر خاشگری سه گروه نمونه تحقیق

پراکنندگی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی داری P
بین گروهی	۴/۶۴	۲	۲/۳۲	۰/۵۷	۰/۵۶
درون گروهی	۸۶۱/۳۱	۲۱۳	۴/۰۴		
کل	۸۶۵/۹۵	۲۱۵			

همان طوری که در جدول ۴ ملاحظه می شود بین میزان پر خاشگری دانش آموزان دختر دارای ناپدری، نامادری و پدر و مادر واقعی از لحاظ آماری تفاوت معنی دار وجود ندارد ( $P < 0/056$ ) و ( $F=0/57$ ). بنابراین، این فرضیه تأیید نشد.

جدول ۷ نشان می دهد بین عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دارای ناپدری، نامادری و پدر و مادر واقعی از لحاظ آماری تفاوت معنی دار

همان طوری که در جدول ۵ ملاحظه می شود بین میزان اضطراب دانش آموزان دختر دارای

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس یک راهه روی نمره های اضطراب سه گروه نمونه تحقیق

پراکندگی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی داری P
بین گروهی	۴۹۵/۳۸	۲	۲۴۷۵/۱۹	۲۴/۸۵	۰/۰۰۱
درون گروهی	۲۱۲۱۴/۶۱	۲۱۳	۹۹/۵۹		
کل	۲۶۱۶۴/۹۹	۲۱۵			

جدول ۶. نتایج تحلیل آزمون توکی روی نمره های اضطراب سه گروه نمونه تحقیق

گروه ها	میانگین	ناپدیری	نامادری	عادی
ناپدیری	۳۹/۲۵		*	*
نامادری	۳۵/۱۴	*		*
عادی	۲۷/۷۲	*	*	

جدول ۷. نتایج تحلیل واریانس یک راهه بین نمره های عملکرد تحصیلی سه گروه نمونه تحقیق

پراکندگی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی داری P
بین گروهی	۱۲۵/۳۶	۲	۶۲/۶۸	۱۲/۶۲	۰/۰۰۱
درون گروهی	۱۰۵۷/۶۵	۲۱۳	۴/۹۶		
کل	۱۱۸۳/۰۲	۲۱۵			

جدول ۸. نتایج تحلیل آزمون توکی روی نمره های عملکرد تحصیلی سه گروه نمونه تحقیق

گروهها	میانگین	ناپدیری	نامادری	عادی
ناپدیری	۱۵/۹۱			*
نامادری	۱۶/۲۷			*
عادی	۱۷/۶۷	*	*	

این پژوهش دانش آموزان دختر دارای ناپدیری، افسردگی بالاتری نسبت به دانش آموزان دختر دارای نامادری داشته اند. اخیراً مطالعات نشان داده اند که دختران نسبت به پسران مشکلات بیشتری در برقراری رابطه با ناپدیری دارند و آشکار شد که دختران رابطه مسأله دارتری با ناپدیری دارند (سانتروک<sup>۱</sup>، ۱۹۷۲؛ زیل<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳). تبیینی که در این رابطه می توان ارائه کرد این است که دختران ناپدیری را رقیبی برای خود می بینند، چون مادر را از دختر جدا می کند. این مسأله به شدت باعث آزار نوجوانان دختر می شود و با افسردگی و ناامیدی به این موقعیت پاسخ می دهند. طبق نتایج این پژوهش مشاهده گردید، بین میزان پرخاشگری دانش آموزان دختر دارای ناپدیری، نامادری و پدر و مادر واقعی از لحاظ آماری تفاوت معنی داری وجود ندارد.

دختران نسبت به پسران به طور ذاتی از پرخاشگری کمتری برخوردار هستند و رفتارهای پرخاشگرانه کمتری از خود نشان می دهند. پسران بیشتر پرخاشگری فیزیکی و دختران بیشتر پرخاشگری کلامی از خود نشان می دهند. دلیل دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که دختران نسبت به مشکلات به صورت درونی یعنی افسردگی و اضطراب پاسخ می دهند.

طبق نتایج به دست آمده در این پژوهش میزان اضطراب دانش آموزان دارای ناپدیری از میزان اضطراب دانش آموزان دارای نامادری و پدر و مادر واقعی بیشتر است. همچنین میزان اضطراب دانش آموزان دارای نامادری از میزان اضطراب دانش آموزان دارای پدر و مادر واقعی بیشتر است و این تفاوتها از لحاظ آماری معنی دار می باشد. نتایج

وجود دارد ( $F=12/62$  و  $P<0/01$ ). با توجه به این نتایج فرضیه ۴ نیز تأیید می شود.

با توجه به معنی داری تفاوت بین سه گروه، آزمون تعقیبی توکی بین نمره های عملکرد تحصیلی دانش آموزان به عمل آمد که نتایج آن در جدول شماره ۸ ارائه شده است و نشان می دهد عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دارای نامادری و ناپدیری کمتر از عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دارای پدر و مادر واقعی می باشد. ضمناً بین عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دارای ناپدیری و نامادری از لحاظ آماری تفاوت معنی دار یافت نشد.

### بحث و نتیجه گیری

از یافته های این پژوهش چنین بر می آید که میزان افسردگی دانش آموزان دختر دارای ناپدیری از میزان افسردگی دانش آموزان دختر دارای نامادری و دارای پدر و مادر واقعی بیشتر است و این اختلاف معنی دار می باشد. همچنین میزان افسردگی دانش آموزان دارای نامادری بیشتر از افسردگی دانش آموزان دارای پدر و مادر واقعی می باشد. نتایج به دست آمده از این پژوهش با برخی از پژوهشهای قبلی همخوانی دارد ( برای مثال ورکمن<sup>۱</sup> و بیر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲؛ کاسن و همکاران، ۱۹۹۶). تحقیقات بسیاری نشان داده اند که احتمال بروز علائم افسردگی در کودکانی که یکی از والدین خود را از دست داده اند، قابل ملاحظه است. فقدان یکی از والدین و جایگزین شدن آن به وسیله یک فرد جدید باعث تشدید افسردگی و دشواری در سازگاری با موقعیت جدید می شود. نکته قابل توجه این جاست، که طبق یافته های

3 Santorouk

4 Zill

1 Workman

2 Beer



یکی از دلایل این باشد که دختران بیشتر از پسران می بینند که ناپدری، مادر را از آنها دور نگه می دارد و این موضوع باعث نگرانی و دلواپسی دختران می شود. اگرچه دختران این گونه خانواده ها، عشق و محبت القاء نشود و دلواپسی و نگرانی آنها رفع نگردد، احساس تنهایی و بی پناهی خواهند کرد که با اضطراب به این موقعیت پاسخ می دهند.

تبیین دیگری که در این زمینه وجود دارد، این است که فرزندان خانواده با والد خوانده همجنس نسبت به والد خوانده غیر همجنس سازگاری بیشتری دارند. زیرا والد خوانده همجنس، منبعی برای همانند سازی فرزندان و کسب نقشهای جنسیتی می باشد. طبق نتایج به دست آمده از این پژوهش عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دارای پدر و مادر واقعی بهتر می باشد. در ضمن بین عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارای ناپدری با دانش آموزان دارای نامادری از لحاظ آماری تفاوت معنی داری یافت نشد. نتایج به دست آمده از این پژوهش با پژوهشهای قبلی (برای مثال، مکارمی، خداریحیمی، پورعوض، زحل نژاد و حامدی، ۱۳۷۰؛ مک لاناها و همکاران، ۱۹۹۴؛ کوکسی و فوندل، ۱۹۹۶) همخوانی دارد. دانش آموزان برای داشتن عملکرد تحصیلی مطلوب احتیاج به کانون گرم و صمیمی خانواده دارند که حمایت های لازم از او را در این زمینه به عمل آورد. وجود هر گونه تنش و فضای خصومت آمیز و غیرصمیمانه در خانواده باعث افت تحصیلی دانش آموز می شود.

تبیین دیگری که وجود دارد این است که دانش آموزان دارای ناپدری یا نامادری طبق یافته های این پژوهش دچار افسردگی و اضطراب هستند. بنابراین افسردگی باعث می شود تا انگیزه آنها

به دست آمده از این پژوهش با برخی از پژوهشهای قبلی (برای مثال کندل و روزنوم و چن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴؛ کاسن و همکاران، ۱۹۹۶) همخوانی دارد. هورنای<sup>۲</sup> معتقد است که مجموع تجارب دوران کودکی، ساخت منش کودک را تشکیل می دهد. یعنی شخصیت او را پایه گذاری می کند. هر چیزی که امنیت کودک را در روابطی که با پدر و مادر دارد، مختلف کند، سبب دلواپسی او می شود. کودکی که دلواپس است از این که مبادا تنهایش بگذارند یا از حمایت محروم شود، به ترفندهای مختلف متوسل می گردد (سیاسی، ۱۳۷۰).

چنانچه والد اصلی یا والد خوانده به جای پذیرش کودک و ایجاد روابط آرامش بخش با او، به طرد و خصومت با وی پردازد، در کودک احساس اضطراب و خصومت شکل می گیرد که ناشی از رفتار والد اصلی یا والد خوانده است. رفتارهایی مانند تبعیض و توییح نادرست، طرد ناگهانی کودک، عدم انجام و عده ها و فقدان توجه والدین به احساس کودکان و بالاخره کمال طلبی یا به علت دیگر دخالت مداوم در فعالیت کودک سبب پیدایش احساسات خصمانه نسبت به والد اصلی و والد خوانده می گردد.

علت اصلی اضطراب نیز، فقدان شرایط صمیمانه و محبت آمیز، به خصوص در محیط خانواده، وجود رفتار خشونت آمیز توأم با بی مهری و عناد نسبت به کودک است. یافته جالب توجه در این پژوهش این است که اضطراب دانش آموزان دارای ناپدری به طور معنی دار بیشتر از اضطراب دانش آموزان دارای نامادری است.

مطالعات زیادی نشان داده اند که دختران در خانواده هایی که ناپدری وجود دارد، مشکلات سازگاری بیشتری را از خود نشان می دهند. شاید

برای موفقیت تحصیلی کاهش پیدا کند. همانطور که می دانیم پایین آمدن عملکرد و کارایی، یکی از مهمترین علائم افسردگی می باشد. در ضمن اضطراب باعث اختلال در عملکرد این گروه از دانش آموزان خواهد شد. همچنین به دلیل وجود ناپدری یا نامادری در خانواده و مسائل ناشی از آن، خانواده توجه و تأکید کمتری بر موفقیت تحصیلی دارد و انتظارات آنها از فرزندان پایین می آید و کوشش کافی در این زمینه مبذول نمی گردد. به همین دلیل انگیزه پیشرفت تحصیلی فرزندان به خاطر نبودن مشوق کاهش پیدا می کند. یافته های پژوهش حاضر از لحاظ آموزش و پرورش دارای اهمیت است. اهمیت آن به جهت نیاز دانش آموزانی که شرایط خانوادگی ویژه دارند، می باشد. این گروه از دانش آموزان نیاز دارند که موقعیت آنها به درستی از طرف مدرسه درک شود و شرایط برخورداری از وجود مشاوران کارآزموده برای آنان فراهم شود. مشاوران باید همگام با والد اصلی و والد خوانده با ارائه شیوه های صحیح آموزشی و تربیتی در ایجاد رابطه مثبت و سازنده بین فرزند خوانده - والد خوانده، به عنوان عاملانی مؤثر ایفای نقش نمایند.

### منابع

- سیاسی، علی اکبر (۱۳۷۰). نظریه های شخصیت یا مکاتب روانشناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۰). نظریه های مشاوره و روان درمانی. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- مکارمی، آذر؛ خدا رحیمی، سیمین؛ پور عوض، عصمت؛ زحل نژاد، لیلا و حامدی، عبدالحسین (۱۳۷۰). مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مدارس شاهد و عادی شیراز. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز.
- مهرابی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۷۵). بررسی تأثیر شناخت درمانگری در افسردگی و مؤلفه های خود پنداشت. رساله دکتری روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- نجاریان، بهمن؛ عطاری، یوسفعلی؛ و مکنونی، بهنام (۱۳۷۲). ساخت و اعتباریابی مقیاس اضطراب ANQ. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.

- Lingempeel, W. & Gleen, (1986). Stepparent-stepchild relationships and the psychological adjustment of children in stepmother and stepfather families. *Child Development*, Vol. 57(2), 474-484.
- Cooksey, E. C. & Fondell, M. M. (1996). Spending time with his kids: Effects of family structure on fathers & children's lives. *Journal of Marriage & Family*, Vol. 58, 693 - 707
- Kandel, Denise B., Rosenbaum, E. & Chen, K. (1994). Impact of maternal drug use and life experiences on preadolescent children born to teenage mothers. *Journal of Marriage & Family*, Vol. 56, 325-340.
- Kasen, S., Cohen, P., Brook, J. S. & Harkmark, C. (1996). "A multiple- risk interaction model: Effects of temperament and divorce on psychiatric disorders in children". *Journal of Abnormal Child Psychology*, Vol. 24, 121-150.
- Kierman, N. V., Nicholas, I., Pearson, J. & Kellam, S. (1995). "Householod family structure and

- children's aggressive behavior: Alongitudinal study of urban elementary school children". Journal of Abnormal Child Psychology, Vol. 23, 553-568.
- Lewis, C. & O'Brien, M. (1987). Reassessing Fatherhood. Beverly Hills, CA: Sage.
- Mchlanahan, S. & Sandefur, G. (1994). Growing up with a single parent: What hurts, what helps. Harvard University Press: Cambridge, Massachusetts.
- Neissi, A. (1988). A model examining the influences of father absence, social support and maternal well-being on children's psychological adjustment. Department of Psychology. Lancaster University, Lancaster, UK.
- Santrock, J. W. (1972). Relation of type and onset of father absence to cognitive development. Child Development, Vol. 43, 455-456.
- Workman, M. & Beer, J. (1992). "Depression, suicide ideation, & aggression among high school students whose parents are divorced & use alcohol at home." Psychological Reports, Vol. 70, 505-511
- Zill, N., Morrison, D. & Jo, C. M. (1993). "Long term effects of parental divorce on parent-child relationships, adjustment, & achievement in young adulthood". Journal of Family Psychology, Vol. 7, 91-103.

تاریخ وصول: ۸۷/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۸۸/۷/۱۴